تحلیل

افزایش قیمت نفت معکوس شد

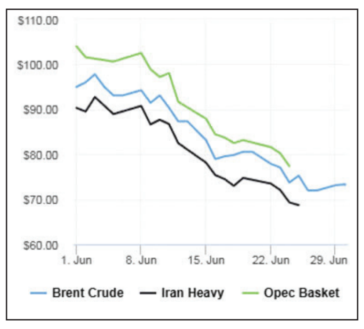

قیمت نفت در معاملات روز سه‌شنبه بازار جهانی، کاهش یافت و با بهبود عبور جریان انرژی از تنگه هرمز پس از تفاهم‌نامه ایران و امریکا، در آستانه ثبت کاهش ماهانه قرار گرفت. به گزارش ایسنا، بهای معاملات آتی نفت خام برنت در ماه اوت که روز سه‌شنبه منقضی می‌شود، با ۰.۹ درصد معادل ۶۴ سنت کاهش، به ۷۲ دلار و ۵۱ سنت در هر بشکه رسید. این قیمت حدود ۲۰ دلار یا ۲۲ درصد کمتر از قیمت نهایی ماه قبل است. قرارداد فعال‌تر برای سپتامبر با ۰.۴ درصد معادل ۳۱ سنت کاهش، به ۷۳ دلار در هر بشکه رسید. قیمت نفت وست تگزاس اینترمدیت آمریکا برای ماه اوت با ۰.۶ درصد معادل ۳۹ سنت کاهش، به ۷۰ دلار و ۳۶ سنت در هر بشکه رسید. پیش‌بینی می‌شود قیمت‌ها نسبت به قیمت نهایی در ۲۹ مه، حدود ۱۷ دلار یا ۱۹ درصد کاهش یابد. تیم واتر، تحلیلگر ارشد بازار در شرکت «کی‌سی‌ام ترید» گفت: بازار با احتیاط امیدوار است، اما همچنان تا زمانی که نشانه‌های ملموس‌تری از کاهش تنش نبینیم، ریسک‌های خود را پوشش می‌دهد.» برخی تحلیلگران نگران تقاضای چین با توجه به تاثیر بیشتر آن بر قیمت‌ها بودند. نیل کراسبی، رییس تحقیقات شرکت اسپارتا کامودیتیز، گفت: «ما منتظر شواهد بیشتری از افزایش خرید چین هستیم، اما هنوز نمی‌توانیم روی بازگشت بزرگ بزرگ‌ترین وارد کننده نفت خام جهان به بازار شرط‌بندی کنیم.» براساس گزارش رویترز، در همین حال، داده‌های کشتیرانی نشان می‌دهد که تولیدکنندگان خاورمیانه با وجود اقدامات تنش‌آفرین امریکا در تنگه هرمز، به بارگیری نفت و گاز طبیعی مایع ادامه می‌دهند. ترافیک هفته گذشته به بالاترین سطح خود از زمان آغاز درگیری در پایان فوریه رسید. طبق داده‌های وزارت انرژی آمریکا، ذخایر نفت خام در ذخایر استراتژیک نفت آمریکا با ۵.۵ میلیون بشکه کاهش، به ۳۲۵.۷ میلیون بشکه رسید که پایین‌ترین سطح از ماه مه ۱۹۸۳ است این کاهش‌ها بخشی از توافق امریکا برای آزادسازی ۱۷۲ میلیون بشکه نفت از این تاسیسات برای جبران کمبود ذخایر جهانی پس از جنگ تحمیلی علیه ایران و کمک به کاهش قیمت سوخت است. ذخایر نفت خام امریکا در هفته‌های اخیر به دلیل تقاضای بالای صادرات و پالایش برای نفت به سرعت کاهش یافته است. از زمان آغاز جنگ تحمیلی علیه ایران در اواخر فوریه، کل ذخایر نفت در امریکا از جمله ذخایر تجاری و ذخایر استراتژیک، تا ۱۹ ژوئن ۱۱۱.۴ میلیون بشکه کاهش یافته و به ۷۴۳.۳ میلیون بشکه رسیده است که پایین‌ترین سطح از سال ۱۹۸۴ را نشان می‌دهد. در این بین، بالا ماندن قیمت بنزین در امریکا در آستانه انتخابات میان‌دوره‌ای نوامبر، باعث شد دونالد ترامپ، رییس جمهور امریکا روز دوشنبه از خرده‌فروشان بنزین بخواهد فورا قیمت‌ها را کاهش دهند. او هشدار داد اگر این کار را نکنند، مشکلات بزرگی پیش رو خواهند داشت.

خبر

عرضه اختصاصی برق پتروشیمی‌ها از مردادماه

معاون وزارت نیرو از تصمیم جدید این وزارتخانه برای تقویت تأمین برق پایدار و اقتصادی بخش صنعت خبر داد و اعلام کرد: از مردادماه، سازوکار عرضه اختصاصی برق برای صنایع پتروشیمی اجرایی می‌شود و همزمان تأمین برق سایر صنایع انرژی‌بر از طریق تابلوی برق آزاد و سبز بورس انرژی تداوم خواهد یافت. به گزارش ایسنا، مصطفی رجبی مشهدی، معاون برق و انرژی وزارت نیرو با اشاره به برگزاری نشستی مشترک با حضور معاون برنامه‌ریزی وزارت صنعت، معدن و تجارت و مدیرعامل بورس انرژی اظهار کرد: در راستای حمایت هدفمند از تولید و پایداری شبکه برق کشور، تصمیمات جدیدی برای نحوه تأمین برق صنایع بزرگ اتخاذ شده است. وی افزود: براساس این تصمیم، برق صنایع انرژی‌بر کشور از جمله فولاد، سیمان، فلزات اساسی و سایر صنایع بزرگ، همچنان از طریق تابلوی برق آزاد و سبز بورس انرژی تأمین خواهد شد تا شفافیت، رقابت‌پذیری و امکان برنامه‌ریزی دقیق برای تولیدکنندگان حفظ شود. رجبی مشهدی تصریح کرد: برای صنایع پتروشیمی نیز با توجه به ویژگی‌های خاص مصرف و اهمیت استمرار تولید در این بخش، سازوکار عرضه اختصاصی برق از مردادماه اجرایی خواهد شد و بخشی از نیاز این صنایع از طریق واردات برق یا عرضه اختصاصی تأمین می‌شود. وی تأکید کرد: این تصمیم با هدف مدیریت بهینه منابع، افزایش انعطاف‌پذیری شبکه و ایجاد اطمینان خاطر برای فعالان صنعتی اتخاذ شده و نقش مهمی در تأمین برق پایدار و اقتصادی صنایع کشور در ماه‌های اوج مصرف خواهد داشت. به گفته معاون برق و انرژی وزارت نیرو، هماهنگی نزدیک میان وزارت نیرو، وزارت صمت و بورس انرژی در این زمینه، گامی مؤثر در جهت هم‌افزایی سیاست‌های انرژی و صنعت و حمایت عملی از تولید ملی به شمار می‌رود. وی همچنین گفت: در راستای تضمین پایداری شبکه برق در فصل سرما و با هدف آمادگی و کمک به تامین برق در دوره سرد سال، ظرفیت مخازن ذخیره‌سازی سوخت (گازوییل) نیروگاه‌ها در سراسر کشور افزایش می‌یابد. رجبی مشهدی تصریح کرد: براساس برنامه‌ریزی‌های انجام شده، ظرفیت فعلی ذخایر سوخت گازوییل نیروگاه‌ها که بالغ بر ۳ میلیارد و ۸۰۰ میلیون لیتر است، با افزودن ۴۰۰ میلیون لیتر ظرفیت جدید، به سطح ۴ میلیارد و ۲۰۰ میلیون لیتر خواهد رسید. این افزایش ۱۰ درصدی در ظرفیت ذخیره‌سازی، با هدف کمک به تأمین سوخت نیروگاه‌های حرارتی در دوره سرد سال و مقابله با ناترازی گاز در زمستان در زنجیره تأمین سوخت طی فصل زمستان صورت می‌گیرد.

«تعادل» گزارش می‌دهد

مسیر بازگشت نفت ایران به آسیا؛ چهار راهی به نام بانک‌ها

گلناز پرتوی‌مهر

مسیر پیش‌روی دیپلماسی انرژی ایران این روزها بیش از هر زمان دیگری به کلاف سردرگم تحریم‌های مالی و بانکی گره خورده است. پس از ماه‌ها گمانه‌زنی درباره احیای کانال‌های صادراتی و ایجاد فرصت‌های موقت ۶۰ روزه، اکنون پرسش اصلی فعالان بازار این نیست که «آیا ایران توان تولید و عرضه نفت را دارد؟»، بلکه سوال اساسی این است: «آیا خریداران سنتی آسیا توان و جرات تسویه حساب با تهران را پیدا خواهند کرد؟» تحلیل چیدمان جدید خریداران نفت در شرق آسیا نشان می‌دهد که تمایل به خرید نفت ایران سناریویی تک‌بعدی نیست. بازگشت خریداران بزرگی مانند چین، هند، کره‌جنوبی و ژاپن به سبد صادراتی ایران، پیش‌شرطی فراتر از توافق‌های سیاسی موقت دارد؛ عبور از سد بلند تحریم‌های بانکی.

کره‌جنوبی و ژاپن همواره در میان مشتریان پروپاقرص نفت خام و میعانات گازی ایران (به ویژه میدان پارس جنوبی برای صنایع پتروشیمی کره) قرار داشته‌اند. با این حال، ساختار اقتصادی و سیاسی توکیو و سئول به شدت با سیستم مالی ایالات متحده و شبکه سوئیفت در هم تنیده است.

برخلاف چین که توانسته است با استفاده از بانک‌های کوچک‌تر و ارزهای محلی (یوان) تا حدی تحریم‌ها را دور بزند، ژاپن و کره‌جنوبی هرگز در شرایط ریسکی وارد معامله نمی‌شوند. برای این دو کشور، ریسک‌های شهرت (Reputational Risk) و جریمه‌های سنگین خزانه‌داری امریکا فراتر از سود حاصل از خرید نفت ارزان قیمت است.

بنابراین، اشتیاق این دو غول فناوری و صنعتی آسیا برای بازگشت به بازار ایران کاملاً مشروط است. بدون لغو کامل و تضمین‌شده تحریم‌های بانکی و برقراری مجدد کانال‌های عادی مبادلات ارزی، نمی‌توان انتظار داشت که نفتکش‌های کره‌ای یا ژاپنی در پایانه‌های خارگ پهلو بگیرند. حضور دوباره آنها در صف خریداران، دماسنج دقیقی برای سنجش میزان واقعی بودن گشایش‌های بین‌المللی خواهد بود. هند همواره دومین مشتری بزرگ نفت ایران پیش از تحریم‌های دوره دوم امریکا بود. نزدیکی جغرافیایی، هزینه پایین حمل‌ونقل و سازگاری پالایشگاه‌های هند با نفت ترش و سنگین ایران، دهلی‌نو را به شریکی استراتژیک تبدیل کرده بود. اما جغرافیای سیاسی انرژی در دو سال گذشته تغییرات شگرفی داشته است. بحران اوکراین و تغییر مسیر نفت روسیه به سمت آسیا، نقشه بازی را دگرگون کرد. در این میان، سهم ایران در بازار هند به دلیل تصاحب بخش مهمی از پالایشگاه‌های هند توسط شرکت‌های روس با چالش جدی مواجه شده است.

حتی در صورت لغو تحریم‌های بانکی، ایران برای بازپس‌گیری سهم پیشین خود در بازار هند باید وارد یک رقابت قیمتی و تخفیفی شدید با روسیه و سایر رقبای منطقه‌ای شود. هند دیگر آن بازار تضمین‌شده و بی‌دغدغه سابق نیست، هرچند بازگشت به آن با حل چالش‌های بانکی قطعاً تسهیل خواهد شد.

چین در تمام سال‌های سخت تحریم، خریدار اصلی و استراتژیک نفت ایران باقی مانده و در حال حاضر نزدیک به ۱۰ درصد از نیاز وارداتی خود را از ایران تامین می‌کند. با این حال، تحلیلگران بازار معتقدند لغو تحریم‌ها لزوماً به معنای جهش ناگهانی حجم خرید چین نخواهد بود. سهم فعلی ایران در بازار چین تقریباً تثبیت شده است. دستاورد بزرگ لغو تحریم‌های بانکی برای ایران در رابطه با چین، نه افزایش چشمگیر حجم صادرات، بلکه «تسهیل مبادلات مالی»، «کاهش هزینه‌های دور زدن تحریم» و «امکان دریافت ارزهای معتبر جهانی» به جای کالاهای واسطه‌ای یا پول‌های بلوکه شده خواهد بود. با برچیده شدن تحریم‌های مالی، تجارت نفتی با پکن از حالت خاکستری و پرهزینه به یک تجارت شفاف و سودآورتر تبدیل می‌شود. واقعیت سخت حاکم بر بازار بین‌المللی انرژی این است که فرآیند فروش نفت، یک زنجیره متصل است؛ تولید، انتقال و تسویه حساب. لغو تحریم‌های بخش فروش و کشتیرانی بدون گشایش در بخش بانکی، عملاً مانند خودروی بدون سوخت است. مشتریان نفتی برای خرید مستمر نیاز به گشایش اعتبارات اسنادی (LC)، بیمه نفتکش‌ها و بسترهای امن بانکی دارند. تا زمانی که شرایط عادی برای مبادلات مالی فراهم نشود، حتی فرصت‌های موقت یا معافیت‌های کوتاه‌مدت صادرکنندگان نمی‌تواند منجر به قراردادهای بلندمدت و استراتژیک شود. از سوی دیگر، تجربیات تاریخی نشان داده است که نوسانات موقت سیاسی و وعده‌های شکننده بین‌المللی، اطمینان لازم را به خریداران بزرگ آسیایی نمی‌دهد. بازار نفت به ثبات و پیش‌بینی‌پذیری زنده است و تا زمانی که تضمین‌های حقوقی و ساختاری برای بقای روابط مالی ایجاد نشود، اشتیاق چهار مشتری آسیایی تنها در حد یک «تمایل روی کاغذ» باقی خواهد ماند.

ایران پتانسیل بازگشت سریع به بازار آسیا را دارد، اما کلید این بازگشت در دست دیپلماسی پولی و مالی است. هماهنگی میان وزارت نفت و بانک مرکزی برای ایجاد بستر شفاف انتقال پول، پیش‌نیاز اصلی هر گونه توافق نفتی است. بدون حل معادله بانک، بشکه‌های نفت ایران همچنان پشت دیوارهای تردید خریداران آسیایی معطل خواهند ماند.

اهمیت سوخت CNG و قیمت گاز در کاهش هزینه حمل‌ونقل و امنیت انرژی

سوخت CNG با اتکا به قیمت مناسب گاز، گزینه‌ای اقتصادی و پاک برای کاهش هزینه حمل‌ونقل، صرفه‌جویی در مصرف بنزین و تقویت امنیت انرژی کشور به شمار می‌رود.

به گزارش مهر، در سال‌های اخیر، موضوع سوخت CNG (گاز طبیعی فشرده) و نقش آن در کاهش هزینه‌های انرژی، به یکی از محورهای مهم سیاست‌گذاری در حوزه حمل‌ونقل و اقتصاد خانوار تبدیل شده است. افزایش هزینه‌های تولید بنزین، فشار بر منابع ارزی و ضرورت کاهش آلودگی هوا باعث شده توجه به قیمت گاز و مزیت اقتصادی CNG بیش از گذشته اهمیت پیدا کند. ایران با در اختیار داشتن یکی از بزرگ‌ترین ذخایر گاز طبیعی جهان، ظرفیت ویژه‌ای برای توسعه این سوخت دارد؛ ظرفیتی که در صورت مدیریت صحیح می‌تواند به کاهش وابستگی به واردات بنزین، صرفه‌جویی میلیاردی در یارانه‌ها و افزایش رفاه مصرف‌کنندگان منجر شود.

CNG نه‌تنها از منظر زیست‌محیطی سوختی پاک‌تر نسبت به بنزین محسوب می‌شود، بلکه از نظر قیمت تمام‌شده نیز برای مصرف‌کننده نهایی مزیت قابل توجهی دارد. اختلاف محسوس میان قیمت هر مترمکعب گاز طبیعی فشرده با قیمت هر لیتر بنزین، انگیزه اقتصادی قوی برای استفاده از این سوخت ایجاد کرده است. در این گزارش، اهمیت سوخت CNG با تمرکز بر قیمت گاز، صرفه اقتصادی، امنیت انرژی و پیامدهای کلان اقتصادی بررسی می‌شود تا تصویری جامع از جایگاه این سوخت در آینده انرژی کشور ارایه گردد.

یکی از مهم‌ترین دلایل گسترش استفاده از CNG، اختلاف قیمت چشمگیر آن با بنزین است. قیمت هر مترمکعب CNG در ایران به‌مراتب کمتر از قیمت هر لیتر بنزین آزاد است. از نظر فنی، هر مترمکعب CNG تقریباً معادل حدود ۰.۷۵ لیتر بنزین انرژی تولید می‌کند. بنابراین اگر یک خودرو به‌طور متوسط ۸ لیتر بنزین در هر ۱۰۰ کیلومتر مصرف کند، معادل آن حدود ۶ مترمکعب CNG خواهد بود. با در نظر گرفتن اختلاف قیمت موجود، هزینه سوخت‌گیری با CNG می‌تواند تا حدود ۷۰ تا ۸۰ درصد کمتر از بنزین باشد. این تفاوت برای رانندگان تاکسی، ناوگان حمل‌ونقل عمومی و خودروهای پرمصرف اهمیت دوچندان دارد. کاهش هزینه سوخت به‌صورت مستقیم در سبد هزینه خانوار اثر می‌گذارد و موجب افزایش قدرت خرید می‌شود. از منظر دولت نیز استفاده گسترده از CNG به معنای کاهش فشار بر یارانه بنزین است. تولید بنزین هزینه پالایش، واردات احتمالی و سرمایه‌گذاری سنگین در زیرساخت را به همراه دارد، در حالی که گاز طبیعی به دلیل وفور منابع داخلی، هزینه تأمین کمتری دارد. توسعه مصرف CNG می‌تواند میلیاردها دلار صرفه‌جویی ارزی ایجاد کند و منابع مالی را به بخش‌های زیرساختی دیگر هدایت نماید.

ایران یکی از بزرگ‌ترین دارندگان ذخایر گاز طبیعی در جهان است. این مزیت ژئوپلیتیکی سبب شده قیمت گاز در داخل کشور نسبت به بسیاری از کشورها پایین‌تر باشد. استفاده از CNG در حمل‌ونقل، در واقع بهره‌برداری مستقیم از این مزیت نسبی است.

افزایش مصرف بنزین در سال‌های گذشته، کشور را در برخی مقاطع با چالش واردات روبه‌رو کرده است. واردات بنزین علاوه بر خروج ارز، کشور را در برابر تحریم‌ها و نوسانات بازار جهانی آسیب‌پذیر می‌کند. در مقابل، توسعه CNG با تکیه بر منابع داخلی گاز، وابستگی به بازارهای خارجی را کاهش می‌دهد و امنیت انرژی را تقویت می‌کند. همچنین قیمت گاز در ایران به‌دلیل یارانه‌های دولتی و ساختار تولید داخلی، ثبات نسبی بیشتری نسبت به فرآورده‌های نفتی دارد. این ثبات قیمتی به برنامه‌ریزی بلندمدت در حوزه حمل‌ونقل کمک می‌کند. ناوگان عمومی، تاکسی‌ها و حتی خودروهای شخصی در صورت اطمینان از پایداری قیمت CNG، تمایل بیشتری به سرمایه‌گذاری برای تبدیل خودرو خواهند داشت.

از منظر کلان، جایگزینی بخشی از مصرف بنزین با CNG می‌تواند ظرفیت پالایشگاه‌ها را آزاد کرده و امکان صادرات فرآورده‌های نفتی با ارزش افزوده بالاتر را فراهم کند. این رویکرد به معنای تبدیل یک مزیت طبیعی (ذخایر گاز) به مزیت اقتصادی پایدار است.

علاوه بر مزیت قیمتی، CNG به عنوان سوختی پاک‌تر شناخته می‌شود. میزان انتشار دی‌اکسید کربن در خودروهای CNG حدود ۲۰ تا ۲۵ درصد کمتر از خودروهای بنزینی است. همچنین آلاینده‌هایی مانند ذرات معلق و اکسیدهای نیتروژن در این سوخت کمتر تولید می‌شوند. این موضوع در کلان‌شهرهایی که با بحران آلودگی هوا مواجهند، اهمیت حیاتی دارد. کاهش آلودگی هوا نه‌تنها به بهبود کیفیت زندگی شهروندان کمک می‌کند، بلکه هزینه‌های درمانی و خسارت‌های اقتصادی ناشی از بیماری‌های تنفسی را نیز کاهش می‌دهد، بنابراین مزیت CNG فقط در قیمت پایین خلاصه نمی‌شود، بلکه پیامدهای اجتماعی و اقتصادی گسترده‌تری دارد. از سوی دیگر، توسعه زیرساخت‌های CNG طی دو دهه گذشته موجب ایجاد اشتغال در حوزه ساخت مخازن، تجهیزات فشرده‌سازی، جایگاه‌های سوخت و خدمات فنی شده است. ادامه این روند می‌تواند به رونق صنایع وابسته و انتقال فناوری منجر شود. با این حال، توسعه پایدار CNG نیازمند نوسازی جایگاه‌ها، ارتقای استانداردهای ایمنی و بهبود کیفیت تجهیزات تبدیل خودرو است. سرمایه‌گذاری در این بخش‌ها باعث افزایش اعتماد عمومی و رشد مصرف خواهد شد. بررسی اهمیت سوخت CNG و قیمت گاز در ایران نشان می‌دهد که این منبع انرژی می‌تواند نقشی راهبردی در اقتصاد ملی ایفا کند. اختلاف قیمت قابل توجه میان CNG و بنزین، مهم‌ترین مزیت این سوخت برای مصرف‌کنندگان است و کاهش محسوس هزینه حمل‌ونقل را به همراه دارد. از منظر کلان نیز توسعه مصرف گاز طبیعی فشرده موجب کاهش وابستگی به واردات بنزین، صرفه‌جویی ارزی و افزایش امنیت انرژی می‌شود. ایران با تکیه بر ذخایر عظیم گاز طبیعی، ظرفیت تبدیل شدن به یکی از الگوهای موفق استفاده از CNG در جهان را دارد. در صورتی که سیاست‌گذاری‌ها بر تثبیت قیمت گاز، بهبود زیرساخت‌ها و حمایت از تبدیل خودروها متمرکز باشد، می‌توان سهم این سوخت را در سبد انرژی حمل‌ونقل افزایش داد. همچنین مزیت‌های زیست‌محیطی CNG، آن را به گزینه‌ای همسو با اهداف توسعه پایدار تبدیل کرده است. در نهایت، CNG تنها یک سوخت جایگزین نیست، بلکه ابزاری اقتصادی برای مدیریت هزینه‌های ملی، کاهش فشار بر بودجه یارانه‌ها و ارتقای کیفیت زندگی شهروندان محسوب می‌شود. استمرار توجه به قیمت‌گذاری منطقی گاز و توسعه زیرساخت‌های مرتبط، شرط اصلی بهره‌برداری کامل از این مزیت راهبردی خواهد بود.

عراق با تهدید به خروج از اوپک، برای سهمیه بیشتر می‌جنگد

بحران اقتصادی باعث شده عراق با تهدید به خروج از اوپک، خواستار سهمیه تولید بیشتری جهت افزایش درآمد نفتی باشد. به گزارش تسنیم به نقل از رویترز، بحران اقتصادی ناشی از جنگ ایران و موج جدید سرمایه‌گذاری شرکت‌های بزرگ نفتی، عراق را به تلاش تهاجمی برای افزایش سهمیه تولید در اوپک واداشته است. این موضوع ممکن است این کشور را در مسیر تقابل با سازمان کشورهای صادرکننده نفت قرار دهد. فشارهای بغداد بر چالش‌های اوپک می‌افزاید. اوپک هنوز در حال بازیابی از پیامدهای جنگ و شوک خروج امارات پس از نزدیک به ۶۰ سال عضویت است. عراق یکی از پنج عضو موسس اوپک و دومین تولیدکننده بزرگ آن است که به دلیل خشک شدن درآمدهای نفتی که بخش عمده‌ای از درآمدهای دولتی را تشکیل می‌دهد، ضربه اقتصادی شدیدی را متحمل شده است. یک مشاور انرژی عراقی گفت: «تقاضای عراق برای سهمیه بزرگ‌تر در اوپک، عمدتاً پاسخی به فشارهای فزاینده اقتصادی است. اختلال در صادرات و زیان‌های ناشی از جنگ، نیاز به تولید بیشتر را افزایش داده است.» با توجه به اینکه آتش‌بس شکننده امریکا و ایران و وعده رفع انسداد تنگه هرمز را می‌دهد، عراق در حال عجله برای پر کردن خزانه خود است و در صورت عدم افزایش قابل توجه سهمیه اوپک، تمام گزینه‌ها از جمله خروج از این سازمان را در نظر می‌گیرد. این باور که عراق باید سهم بیشتری از منابع نفتی خود ببرد، با امضای مجموعه‌ای از قراردادهای چند میلیارد دلاری با شرکت‌های بزرگ نفتی از اوایل سال ۲۰۲۵، تقویت شده است. بریتیش پترولیوم متعهد شده تا ۲۵ میلیارد دلار برای بازتوسعه چهار میدان غول‌پیکر در کرکوک سرمایه‌گذاری کند، توتال انرژی پروژه‌ای ۱۰ میلیارد دلاری در بصره دارد، اکسون‌موبیل برای میدان مجنون قرارداد بسته و شورون نیز در حال بررسی بازگشت به عراق است. حتی در میان اقتصادهای وابسته به نفت خلیج‌فارس، وضعیت عراق متمایز است. براساس داده‌های بانک جهانی، نفت سال گذشته ۸۸ درصد از درآمدهای دولتی این کشور را تشکیل می‌داد که یکی از بالاترین نرخ‌ها در اوپک است. در مقایسه، عربستان حدود ۵۵ درصد از درآمدهای دولتی خود را به نفت متکی است. ضربه ناشی از جنگ به دلیل فقدان جایگزینی برای تنگه هرمز جهت صادرات نفت در مقیاس بزرگ، تشدید شده است. عراق در ماه مه ۱،۴۸ میلیون بشکه نفت در روز تولید کرد که نسبت به تقریباً ۴،۲ میلیون بشکه در روز در فوریه کاهش یافته است. آژانس بین‌المللی انرژی اعلام کرد که عراق ظرفیت تولید ۴،۹ میلیون بشکه در روز را دارد و می‌تواند در عرض ۹۰ روز به این سطح برسد، یعنی بیش از ۵۰۰ هزار بشکه بیشتر از سهمیه ۴،۳۷۸ میلیون بشکه‌ای ژوئیه. سه مقام نفتی عراق گفتند که این کشور هدف‌گذاری تولید ۷ میلیون بشکه در روز را در سال‌های آینده در نظر دارد. علی فالح الزیدی، نخست‌وزیر جدید، نشان داده که بازسازی اقتصاد و جذب سرمایه‌گذاری خارجی در کانون دستور کار او قرار دارد. وی که از حمایت دونالد ترامپ برخوردار است، اواسط ژوئیه به واشنگتن سفر خواهد کرد و اعلام کرده شرکت‌های آمریکایی علاقه‌مند به فعالیت در عراق، در بالاترین اولویت قرار خواهند گرفت. با این حال، کارشناسان هشدار می‌دهند که دستیابی به ۷ میلیون بشکه در روز با موانع قابل توجهی روبه‌روست. این هدف به‌شدت خوش‌بینانه به نظر می‌رسد و محدودیت‌های زیرساخت صادراتی همچنان سرعت بهره‌برداری از ظرفیت‌های جدید را محدود خواهد کرد. تلاش قبلی برای افزایش ظرفیت به ۱۲ میلیون بشکه در روز، در سال ۲۰۱۲ و پس از آن کاهش یافت که شرکت‌های بین‌المللی با استناد به نرخ بالای افت طبیعی و سرمایه‌گذاری ناکافی در زیرساخت‌ها، در مورد اهداف تولید پایین‌تری مذاکره کردند.

محمد عباس، مدیر سابق شرکت دولتی نفت بصره، گفت: «این بخش همچنان با عدم قطعیت نظارتی، چالش‌های امنیتی، بی‌ثباتی سیاسی و تأخیر در اجرای پروژه‌ها مواجه است.» جذب سرمایه‌گذاری مورد نیاز برای رفع گلوگاه‌های زیرساختی آسان نخواهد بود و عراق همچنان در تلاش است تا تصویری را که در گذشته باعث احتیاط شرکت‌های خارجی شده بود، از بین ببرد.

دولت ترامپ مانع ساخت یک مزرعه بادی فراساحلی شد

دولت امریکا ۱۲۹ میلیون دلار به شرکت «دوک انرژی» پرداخت خواهد کرد تا از برنامه‌های خود برای ساخت یک مزرعه بادی فراساحلی در نزدیکی کارولینای شمالی صرف‌نظر کند. به گزارش ایسنا، این چهارمین معامله از این نوع است که توسط دولت دونالد ترامپ، رییس جمهور امریکا برای جلوگیری از توسعه انرژی بادی فراساحلی منعقد شد. طبق این توافق، شرکت «دوک انرژی» قرارداد اجاره خود را در آب‌های فدرال برای یک مزرعه بادی که قرار بود در منطقه کارولینا لانگ بی، تقریبا ۲۴ تا ۳۵ کیلومتری جنوب شرقی کارولینای شمالی، برنامه‌ریزی شود، واگذار می‌کند. این پروژه در مراحل اولیه توسعه بود و ساخت‌وساز هنوز آغاز نشده بود. رقم ۱۲۹ میلیون دلار که دولت ترامپ به «دوک انرژی» بازپرداخت می‌کند، کمی کمتر از مبلغی است که این شرکت در زمان دولت بایدن برای اجاره پرداخت کرده بود. دانشمندان و متخصصان محیط‌زیست می‌گویند که مزارع بادی فراساحلی می‌توانند نقش مهمی در مبارزه با تغییرات اقلیمی ایفا کنند. برخلاف سوزاندن سوخت‌های فسیلی، توربین‌های بادی هیچ یک از گازهای گلخانه‌ای که به‌طور خطرناکی سیاره را گرم می‌کنند، تولید نمی‌کنند. و برخلاف مزارع خورشیدی در مقیاس بزرگ، آنها مقادیر زیادی از زمین‌های ارزشمند را اشغال نمی‌کنند. براساس گزارش بلومبرگ، با این حال، دولت ترامپ از پروژه‌های بادی فراساحلی به‌عنوان زشت و ناکارآمد انتقاد کرده است. قرارداد اخیر با «دوک انرژی» به این معنی است که دولت ترامپ تاکنون متعهد شده است بیش از ۲.۵ میلیارد دلار برای وادار کردن شرکت‌ها به فسخ اجاره‌های بادی فراساحلی خود هزینه کند. سیاست‌های دولت ترامپ که مجوزها برای پروژه‌های انرژی تجدیدپذیر را متوقف کرده، بیش از ۱۲۱ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری را در معرض خطر قرار داده است و توسعه ظرفیت‌های بادی، خورشیدی و ذخیره‌سازی مورد نیاز برای تامین تقاضای روبه رشد برای برق را کند می‌کند. یافته‌های شرکت تحقیقات انرژی وود مکنزی، تنش بین هدف دونالد ترامپ، رییس جمهور امریکا، مبنی بر تسریع زیرساخت‌های انرژی برای حمایت از رونق هوش مصنوعی و مخالفت او با انرژی‌های تجدیدپذیر را برجسته کرد. وود مکنزی پروژه‌های در مراحل اولیه به ارزش ۱۲۱ میلیارد دلار که به دلیل تاخیر با خطرات سرمایه‌گذاری مواجه هستند را بررسی کرده است. در مجموع ۹۲ گیگاوات پروژه انرژی پاک، که تقریبا برای تامین برق ۶۹ میلیون خانه کافی است، پس از تغییرات سال گذشته، از جمله دستورالعمل وزارت کشور مبنی بر اینکه مجوزهای انرژی تجدیدپذیر در هر مرحله نیاز به تایید مقامات ارشد دارد، با بررسی دقیق فدرال روبه‌رو هستند. این اقدامات، جدول زمانی پروژه‌های مربوط به آژانس‌های فدرال، از جمله بسیاری از پروژه‌های واقع در زمین‌های خصوصی که هنوز برای تالاب‌ها، حیات‌وحش یا جاده‌های دسترسی نیاز به مجوز دارند را طولانی‌تر کرده است. طبق گزارش وودمکنزی، به‌طور کلی، حدود ۳۲ درصد از پروژه‌های تجدیدپذیر امریکا در مراحل اولیه، اکنون تحت بررسی دقیق فدرال قرار دارند. جمهوری‌خواهان و دموکرات‌های کنگره به دنبال تصویب قانونی برای تسریع صدور مجوز برای پروژه‌های بزرگ بوده‌اند. وودمکنزی اعلام کرد لایحه‌ای که سال گذشته توسط مجلس نمایندگان تصویب شد، به‌طور معناداری جدول زمانی را تسریع خواهد کرد. بر اساس گزارش رویترز، وودمکنزی اعلام کرد حدود هفت گیگاوات ظرفیت در زمین‌های فدرال در سال ۲۰۲۵ لغو یا متوقف شده است.

اخبار

۷۵ درصد مشترکان برق در الگوی مصرف

مدیرکل دفتر مدیریت انرژی و برنامه‌ریزی امور مشتریان شرکت توانیر با تشریح نحوه دسته‌بندی مشترکان خانگی براساس میزان مصرف، گفت: ۷۵ درصد مشترکان در محدوده الگوی مصرف قرار دارند و مشترکان می‌توانند از طریق قبض الکترونیکی در سامانه برق من از میزان مصرف، فاصله با الگوی مصرف و رتبه خود نسبت به سایر مشترکان کشور مطلع شوند. عبدالامیر یاقوتی، مدیرکل دفتر مدیریت انرژی و برنامه‌ریزی امور مشتریان شرکت توانیر در گفت‌وگو با ایسنا، درباره مشترکان پرمصرف و الگوی مصرف، اظهار کرد: همان‌گونه که پیش‌تر نیز گفته شده بود، مشترکان خانگی در چهار پله تقسیم‌بندی می‌شوند. پله اول، پله الگوی مصرف است؛ یعنی مشترکانی که تا سقف الگو مصرف می‌کنند در این گروه قرار می‌گیرند که طبق قانون، ۷۵ درصد مشترکان را شامل می‌شود. وی ادامه داد: پله دوم مربوط به مشترکانی است که از الگو تا یک و نیم برابر الگو مصرف می‌کنند که سهم آنها از کل مشترکان خانگی ۱۵ درصد است. پله سوم نیز شامل مشترکانی است که از یک و نیم برابر الگو تا دو و نیم برابر الگو مصرف می‌کنند که سهم آنها ۸ درصد از مشترکان است. پله آخر نیز مشترکانی هستند که بیش از دو و نیم برابر الگو مصرف دارند و سهم آنها ۲ درصد است. مدیرکل دفتر مدیریت انرژی و برنامه‌ریزی امور مشتریان شرکت توانیر در پاسخ به این سوال که مشترکان چگونه متوجه شوند در محدوده الگوی مصرف قرار دارند یا خیر، گفت: طبیعتاً مقدار الگو مشخص است. معمولاً در مناطق عادی، در ماه‌های غیرگرم، الگو ۲۰۰ کیلووات ساعت و در ماه‌های گرم ۳۰۰ کیلووات ساعت است. همچنین در مناطق جنوبی، در ماه‌های گرم، الگو ۲۵۰۰ کیلووات ساعت است و طبیعتاً در ماه‌های غیرگرم به الگوی مناطق عادی نزدیک است. یاقوتی افزود: اما اینکه مشترکان چگونه این موضوع را متوجه شوند، باید گفت روی قبوض الکترونیکی که از طریق سامانه برق من قابل دریافت است، این امکان فراهم شده است. اگر مشترکان روی لینکی که همراه پیامک قبض ارسال می‌شود کلیک کنند، قبض الکترونیکی قابل دانلود است و در آن مشخص شده که مشترک چه میزان بالاتر از الگو مصرف کرده، نسبت به کل مشترکان کشور در چه رتبه‌ای قرار دارد و اطلاعات بسیار خوبی در اختیار مشترکان قرار می‌دهد که می‌توانند از آن استفاده کنند.

افزایش هدررفت گاز فلر در ایران به ۳۰ میلیارد مترمکعب

هدررفت گاز در میادین نفتی ایران در سال ۲۰۲۵ به حدود ۳۰ میلیارد مترمکعب با ارزش ۱۰ میلیارد دلار رسید. به گزارش تسنیم، بانک جهانی در جدیدترین گزارش خود از وضعیت هدررفت گاز طبیعی در میادین نفت و گاز جهان اعلام کرد انتشار گاز در میادین نفت و گاز جهان برای سومین سال متوالی در سال ۲۰۲۵ افزایش داشته است. براساس برآوردهای این نهاد بین‌المللی، پرت گاز در میادین نفت و گاز جهان در سال‌های ۲۰۲۳ تا ۲۰۲۵ با افزایش ۱۶ درصدی مواجه شده و در سال ۲۰۲۵ به ۱۶۷ میلیارد مترمکعب رسیده است. میزان پرت گاز در سال ۲۰۲۵ نسبت به سال قبل از آن، رشد ۶ درصدی داشته و به بالاترین رقم از سال ۲۰۱۹ رسیده است. در سال ۲۰۲۴، گاز هدر رفته در میادین نفتی جهان ۱۵۷ میلیارد مترمکعب اعلام شده بود. ارزش گاز هدر رفته در جهان طی سال میلادی گذشته، ۵۴ میلیارد دلار برآورد شده و در نتیجه آن ۴۲۹ میلیون تن دی‌اکسید کربن روانه جو شده است. براساس این گزارش، روسیه جایگاه نخست جهان از نظر پرت گاز را در سال ۲۰۲۵ داشته و در این سال بالغ بر ۳۰،۱ میلیارد مترمکعب گاز از میادین نفت و گاز این کشور به هدر رفته است. ایران با ۲۹،۹ میلیارد مترمکعب در جایگاه دوم قرار گرفته است. هدررفت گاز از میادین نفت و گاز ایران در سال ۲۰۲۵، رشد ۵ درصدی نسبت به سال قبل از آن داشته و این در حالی است که تولید نفت ایران طی این سال با افزایش ۲ درصدی مواجه شده است. ارزش گاز سوخته در میادین ایران طی سال ۲۰۲۵ حدود ۱۰ میلیارد دلار برآورد شده است. به گزارش اقتصاد معاصر، عراق، ونزوئلا، مکزیک، لیبی، الجزایر، نیجریه، امریکا و عربستان به ترتیب رتبه‌های سوم تا دهم را از این نظر به خود اختصاص داده‌اند. امریکا با وجود برخورداری از تکنولوژی پیشرفته در میان ۱۰ کشور نخست هدردهنده گاز طبیعی جهان قرار دارد و پیش از عربستان، جایگاه نهم را به خود اختصاص داده است. در سال ۲۰۲۵ بالغ بر ۵ میلیارد مترمکعب گاز فلر در میادین نفتی این کشور به هدر رفته است.

ادامه از صفحه اول

زنگ خطر فرسایش اعتماد بانکی

در این میان، نحوه مواجهه سیاستگذاران و مدیران بانکی اهمیت تعیین کننده دارد. پنهان‌کاری، کوچک‌نمایی بحران یا ارایه توضیحات مبهم، بیش از خود اختلالات به اعتماد عمومی آسیب می‌زند. مردم انتظار دارند بدانند ابعاد مشکل چیست، چه اقداماتی برای کنترل آن انجام شده و چه تضمینی برای حفظ امنیت سپرده‌ها وجود دارد. در فضای ابهام، شایعات جای اطلاع‌رسانی رسمی را می‌گیرد و همین امر می‌تواند نگرانی‌ها را تشدید کند. تقویت فوری زیرساخت‌های امنیت سایبری، ایجاد مسیرهای جایگزین برای ارایه خدمات بانکی و ارتباط شفاف و مستمر با افکار عمومی، اکنون دیگر یک انتخاب نیست؛ بلکه ضرورتی حیاتی برای حفظ ثبات اقتصادی است. در شرایطی که اقتصاد ایران همزمان با فشارهای تورمی، تحریم و کاهش قدرت خرید مواجه است، آخرین چیزی که می‌تواند به ثبات بازارها آسیب بزند، تضعیف اعتماد به شبکه بانکی است. نظام بانکی، ستون گردش مالی هر اقتصاد است و اعتماد، ستون اصلی نظام بانکی. اگر این ستون دچار فرسایش شود، تبعات آن تنها محدود به بانک‌ها نخواهد ماند؛ بلکه به سرعت به بازار ارز، طلا و کل فضای اقتصادی سرایت می‌کند. هشدار امروز، بیش از آنکه درباره اختلال چند بانک باشد، درباره خطری است که می‌تواند آرام و تدریجی، اما عمیق و فراگیر، اعتماد عمومی را هدف قرار دهد.